

نکاتی درباره

از مجله *بمن العنلی*
مدرسه و اولیا*



فقدان وضعیف یا از میان رفتن اشتها
خالنی است ارگانیک ناشی از فقدان یا
تضعیف یک غریزه لیکن خودداری از غذا
خوردن یک رفتار ارادی و شبیه اعتصاب غذا
میباشد و نتیجه و علامت یک رشته عوارض
عاطفی و روانی است و در اولین تماس
و برخورد تشخیص اینکه این حالت مربوط به
کدام مورد است غالباً امکان پذیر نمیباشد .
بی میلی و غذا نخوردن کودکان ممکن است
مربوط به موارد و علل زیر باشد :

- ۱- یک علت روشن و بارز امکان دارد
موجب بی میلی، کودک به غذا گردد مانند
دوران نقاهت پس از یک بیماری عفونی و
ناراحتیهای دیگر جسمی .
- ۲- بی میلی بچه بغذا ممکن است مربوط به

غذا نخوردن بچه‌ها

یک علت پنهانی باشد که در اینصورت باید از وسائل کلینیکی و آزمایشگاهی مدد گرفت ، از جمله نکاتی که باید روشن کرد اینست که آیا بی میلی بطور ناگهانی و آنی بروز کرده است ؟ آیا میزان بی میلی ثابت است یا پائین میآید ؟ آیا در هنگام بروز بی میلی کودک دچار بیماری (هرچند جزئی) شده است ؟ آیا در محیط عاطفی و روحی بچه تغییراتی بوجود آمده است ؟ مجموعه این تحقیقات کلینیکی - بیولوژیکی و رادیولوژیکی میتواند ریشه بیماری یا ناراحتی را که موجب این وضع شده است نشان دهد .

امکان دارد که درپاره‌ای موارد نتیجه تحقیقات منفی باشد درآنصورت علل عصبی باید موردتوجه قرارگیرد و بمسائلی نظیر صحبت با اعضاء خانواده و رفتار متقابل مادر و بچه و شرایط واحوال پیدایش و شدت و پیشرفت بی میلی پرداخته شود .

موارد بی میلی بغذا (هنگامیکه ریشه آنها عصبی و روحی باشد) برحسب سن کودک متفاوت میباشد . (موارد مربوط به هفت ماهی اول نوزاد - از ۶ ماهگی تا ۸ سال و بی میلی عصبی مربوط به دوره ۱۵ تا ۱۸ سالگی) .
بی میلی های زودرس مربوط به نوزادان :

این موارد بیشتر در نوزادان معمولی (۳ تا ۸ هفته) مشاهده میشود درصورتیکه بارداری و وضع حمل بطور عادی انجام نگرفته

و بچه اگرچه زودتر از موعد دنیا نیامده لیکن وزنش کم است (مثلا ۲۷۰۰ تا ۲۸۰۰ گرم) گاهی بی میلی بغذا پس از یک عارضه عفونی غالباً نامشهود در گوش و مجاری تنفسی پیدا میشود ، کودک ابتدا شیشه پستانک را نا تمام میگذارد و گاهی از دوشیشه پستانک یکی را بزحمت میخورد و نا این هنگام خانواده هنوز امیدوار است ، نومیدی هنگامی پیدا میشود که کودک پشت سرهم دو شیشه پستانک را رد میکند ، نکته شایان توجه اینکه انعکاس بی میلی بغذا در وزن بچه و حالت عمومی او بآن حد که نگران کننده باشد نیست زیرا این قبیل نوزادان کنجکاو بوده و نگاههای پرجنب و جوش دارند ، میزان خواب آنها محدود است و در حدود ۱۲ سالی رشد آنها کاملا رضایت بخش میگردد ، بدین جهت در مورد بی میلی های زودرس نباید خیلی بدبین و ناامید بود . البته روشن است که بزرگ کردن این قبیل نوزادان و کودکان برای خانواده خسته کننده است و معالجه آنها مشکل است و برحسب هر کودک متفاوت میباشد .

در این قبیل موارد پزشک با یادآوری اینکه سرانجام کارخوب خواهد بود میتواند به خانواده قوت قلب بدهد و حوصله و بردباری آنها را تقویت کند و ضمناً میتواند بمیزان کم و خفیف بکودک داروهای مسکن بدهد . امکان دارد این داروها مخالفت کودک را با

نباید غفلت کرد که معمولاً ثمربخش‌تر از
آزمایشهای پزشکی میباشد .
مادر چه میگوید ؟

خوردن غذا تخفیف دهد و ضعیف سازد و
امکان دارد بتدریج بی‌میلی از میان برود .
موارد بی‌میلی کودکان :

تقریباً اکثر مادران از این‌قرار است : ابتدا
وضع کاملاً خوب بوده لیکن در اثر یک علت
نامشخص یا پس از یک بیماری مربوط بگوش

اغلب موارد بی‌میلی کودکان در حدود
یک سالگی و ۱۸ ماهگی پیش می‌آید و میتوان



و جهاز نسفی یا دندان درآوردن یک دفعه
بچه میل بشیر و غذا را از دست داده ابتدا
بی‌میلی خفیف بود لیکن بتدریج افزایش
یافت ، متأسفانه هنگامیکه بی‌میلی مستقر شد
دوام پیدا میکند وگاهی شدت وضع مییابد
در تمام مدت روز وضع بچه عادی است
و حالات و حرکات دلچسب خود را دارد لیکن
بمحض اینکه ساعت غذا فرامیرسد جنگ

این موارد را تا ۸ و حتی تا ۱۰ سالگی
مشاهده نمود ، نکته مهم در این زمینه
اینست که اگرچه آزمایشهای کلینیکی و
آزمایشگاهی در مواجهه با این قبیل موارد
ضروری است تا عمل جسمانی از نظر دور
نباشند لیکن محیط خانوادگی کودک است که
در اکثر موارد علت بی‌میلی را روشن میسازد
لذا از صرف وقت و صحبت با افراد خانواده

و پیکار آغاز میشود ، حتی قبل از غذا حرکات مثبتی بر مقاومت مشاهده میگردد ، کودکان کم سن بمحض دیدن طرف غذا جیغ و داد را شروع میکنند و آنهایی که سن شان بیشتر است میخواهند بطرق مختلف و بلطایف الحیل از آمدن سرسره و میز فرار کنند ، گاهی مدت درازی را صرف شستن دسنهای خود میکنند و این کار را بصورت ماجرای پایان ناپذیری در میآورند ، گاهی در حیاط یا گوشه ای مخفی میشوند و تازه وقتی سرسره یا میز می نشینند خودداری از خوردن غذا را باشکال گوناگون ادامه میدهند ، گاهی دهانشان را محکم بسته نگاه میدارند یا لقمه ای را مدت ها در دهان خود میگردانند و یا اینکه با هر لقمه یک لیوان آب میخورند و نظایر آن ...

گاهی تمام خانواده در برابر چنین وضعی بسیج میشود و مادر و پدر و پدیر بزرگ و مادر بزرگ کوشش میکنند بنحوی غائله را خاتمه دهند و بعضی از آنها مدعی هستند که میتوان با راغب کردن یا حيله آنچه را که با زور عملی نیست انجام پذیر ساخت .

تصمیم بچه بر مقاومت اتحاد و اتفاق اعضا خانواده را در هم میریزد : همسایه ها و دختر عموها و دختر خاله ها پیشنهادانی عرضه میکنند ، مادر شوهر با راهنمائیهای که ثمره تجربه خود او هستند عروس را عصبانی و خشمگین میکنند و نظرات و پیشنهادات متفاوت و گوناگون و حتی متضاد

موجب اختلاف و اوقات تلخی میشوند با اطباء و متخصصین بیماریهای کودکان و اعصاب و روان مشورت بعمل میآید و پشت سر هم (اعم از اینکه حرفهای آنها را پذیرفته باشند یا نه) آنها را عوض میکنند . بچه چه میگوید ؟

اگرچه گفتگو و گفت و شنود با بچه غالباً مشکل است ، در عین حال در مورد پزشک جالب و مطبوع است ، گاهی کودک در برابر دیدگان طبیب سیبی را که مادر بزرگ باو میدهد (در سر میز و سفره ناهار از خوردن آن امتناع کرده است) میخورد و همین باعث میشود که مادر شوهر فی المجلس مقداری بدو بپراه پشت سر عروس نثار کند ! بدین ترتیب نتیجه معاینه کلینیکی منفی از آب در میآید باید تفحص بیشتری در این باره بعمل آید زیرا موضوع مربوط به علل گوناگون است ، به بعضی از بچه ها بیش از اندازه غذا داده میشود تا حسابی چاق شوند ! این کودکان که موقعی مادرانشان بوجودشان میبالیدند مدتی این اضافه غذا و این بار اضافی را تحمل کرده و سپس بطور قهری دچار سوء هضم وی میلی گردید و شروع به لاغر شدن نموده و موجب نگرانی و اضطراب مادران خود میگرددند ، در پاره ای موارد مثلاً پس از بیماری غذای بیش از اندازه بکودک داده

مبارزه با

مگس



بیماریهای روده

مگس‌های بالغ بعد از ۳ روز می‌توانند تخم-ریزی کنند . با این ترتیب در مدتی کمتر از یکماه یک مگس بچندین صد هزار مگس هر مگس بطور متوسط می‌تواند هر روز ۲۰ کیلو متر مسافت را طی کند .

محل تخم ریزی مگس داخل اشغال و کثافات مرطوب است .

مگس روی اشغال و کثافات کوچکها و مستراحها مینشیند و از کثافت و مدفوع تغذیه میکند .

مگس از حشراتی است که در انتقال بسیاری از بیماریها نقش عمده دارد . از جمله بیماریهایی که ممکن است وسیله مگس منتقل شوند بیماریهای روده را میشود ذکر کرد . مگس می‌تواند در مدت کمی بتعداد زیاد تکثیر پیدا کند .

یک مگس بطور متوسط در روز ۶۰۰ الی ۹۰۰ عدد تخم میریزد و در مدتی کمتر از ۱۰ روز این تخمها تبدیل بمگس بالغ میشوند و این

میکربهای موجود در کثافات باموهای ریز بدن واستفراغ ومدفوع مگس روی ظروف ، مواد غذائی ، اغذیه وغیره منتقل میشود .

بادر نظر گرفتن آنچه که بیان شد معلوم میشود این حشره کوچک تاجه اندازه میتواند موذی باشد . برای اینکه بتوان از انتقال بیماریهای روده وسیله این حشره جلوگیری کرد باید مبارزه اساسی واصلی بامگس جزء برنامههای ضروری همه مردم باشد .

مبارزه با مگس در فصولی مانند بهاروتابستان تا اواسط پاییز باید با شدت وبطور بیامان وپیگیر ادامه داشته باشد .

اولین اقدام اساسی ومثبت در ریشه کن ساختن مگس از بین بردن کانونهای تخم ریزی مگس است ، باین منظور باید آشغال وزباله بطرق صحیحی دفع شود .

از ریختن کثافات وآشغال در کوزهها ومعابر و زمینهای بایر داخل واطراف شهر باید جدا خودداری شود .

جویهای آب باید تمیز باشند . مستراحها تمیز نگهداشته شود . در مستراحها باید همیشه بسته باشد .

آشغال وزباله در ظروف سربوشیده جمع آوری شود .

مرغداریها وكف اصطبل ، گاوداریهای اطراف شهر همیشه خشک نگهداری شود . وجلو در و پنجره آنها تور سیمی ریز نصب شود .

پهن وآشغال گاوداریها ومرغداریها روزانه

بخارج حمل شود وبطور نازک در زمین پهن شود که زود خشک شود تا مگس نتواند داخل آنها تخم ریزی کند .

جلو در وپنجره آشپزخانهها - کافه قنادیها کافه رستورانها - محل های تولید ونگهداری مواد غذائی تور سیمی ریز نصب شود .

اغذیه وظروف غذا در جای سربوشیده و دور از مگس نگهداری شوند .

کف منازل وباقات ومعابر باید تمیز نگهداشته شود .

برای دورکردن آشغال وكثافات از محلات داخل شهر مردم باید با مامورین بهداشتی و شهرداری تشریک مساعی کنند .

دراینمورد انجمن های محلی میتوانند نقش بسیار خوبی داشته باشند وبا خودیاری مردم و ساکنین محلات آشغالها وكثافات را که

بعضی ها بایی توجهی در زمینهای بایر ودر محوطه ساختمانهای مخروبه متروک ریخته اند بخارج شهر منتقل کرده و بریشه کن شدن

مگس کمک کنند واز طریق اعضاء انجمن های محلی در تمیز نگاهداشتن جویهای آب و کوزهها ومعابر نظارت بعمل آورند .

بخانمهای خانه دار یادآوری کنند که اقدام عملی در از بین بردن کانونهای تخم ریزی مگس وتمیز نگاهداشتن منازل ومعابر در ریشه

کن ساختن مگس ودر نتیجه جلوگیری از انتقال خیلی از بیماریها از جمله بیماریهای روده ای تاثیر بسزائی دارد .

داشته و القاء و انتقال "حال" مثبت را عهده دارند (اینان به تنها نقشی در امر تربیت و هدایت فرد ندارند ، بلکه خود از مهمترین عوامل انحراف و انحطاط روحی در مسیر زندگی افراد مورد تعلیم و تربیت‌شان به شمار میروند ، و ناگفته خود پیداست کسیکه در قید و بند اسارت امیال و هوسها و غرائز

علم و دانش است تا سرحد بینش و معرفت واقعی ، بجهت اثرات مثبت و سازنده و تقویت کننده خود بخودی القائیات روحی مری در جریان ارتباطات مداوم مستقیم (که شدت وضعف قوای روحی القائی و آثار و نتایج مثبت بعدی آن در امر تربیت و هدایت صرفنظر از میزان بیداری و آگاهی) ، رابطه مستقیمی با میزان جاذبه عشق و علاقه طرفین در چنین ارتباطی دارد ، زیرا در چنین شرایطی عطف توجه بصورت آگاه و ناآگاه ، مداوم و در اثر توجهات روحی ، القائیات روحی و معنوی مری نیز در تقویت جنبه‌های مثبت (بلکه حتی در تضعیف جنبه‌های منفی طرف مقابل) نقش مهمی بازی نموده و در خودسازی و خویش‌شناسی وی را یاری میدهد (که بموقع به تفسیر لازم بعدا خواهیم پرداخت) و همینطور است عکس قضیه ، یعنی انتقال صفات و حالات روحی منفی در جریان تربیت از مری نمایانی که خود از تربیت واقعی محروم و بی‌خبر بوده ، و بمقتضای حال عرف و اجتماع امروزی و در جستجوی شغل و حرفه و منع درآمدی به غلط در خدمت فرهنگ کذائی ، نقش معلم و مری را برعهده گرفته‌اند ، در حالیکه خود بجهت اسارت در امیال و غرائز و غرق شدن در هوسها و شهوات برخلاف گروه اول (که از تزکیه نفس بهره‌ای



بوده و حال درویش چندان فرقی با حیوانات ندارد ، در جریان تماسهای طولانی و مستقیم ، چیزی جز همان حالات در طرف مقابل القاء نکرده و نقشی بجز در تقویت جنبه‌های حیوانی و استعدادهای منفی برعهده نخواهد داشت . چگونه ممکن است

معلم شراپخوار و قمارباز و خودخواه ، از حال معنوی و امتیازات باطنی برخوردار باشد و در فرد مورد تربیت از جهات مثبت و مفید منشاء اثر گردد !؟

از طرف دیگر چون فرهنگ بشر ، از علت - العمل انحرافات انسان یعنی تسلط قهری و فطری و نیز حکومت مستقیم و غیر مستقیم غریزه خود خواهی بر افکار و اعمال بشر غافل بوده و راه مبارزه عملی با آن را نمیداند زیرا هنوز از شناخت آن عاجز مانده

کجا رسد که با آن مقابله کند (از این رو هر نوع توفیق چشمگیری نیز که بشر در جهان علوم و فنون و صنایع و هنرها بدست آورد ، باید آگاه باشیم که بالاخره تمام آنها باضافه خود آنچنان فرهنگ و تمدنی ، آگاه و یا نا - آگاه همه را در اختیار غرایز حیوانی و در استخدام "خود" و " خودخواهیها" قرار خواهد داد و طبعاً دانش و فرهنگ بشر را ندانسته از مسیر اولیه و هدف اساسی نجات - بخش خود منحرف میسازد ، ولذا ضرر و زیان دانش انسانی که در دامن فرهنگ ناقص و نارسای ساخته عقل و فکر بشر تربیت یافته است در مجموع بمراتب بیشتر از فواید آن خواهد بود و هر نوع تظاهری در تمدنهای کذائی از نظر اصلاح و تربیت ، در حقیقت خود در حکم وسیله ای از وسایل اغفال جهانیان و بتأخیر انداختن امر مهمی بمانند " تربیت واقعی " که میبایست بسرعت اجرا شود بشمار میرود .

بقیه از صفحه ۲۵

آموزش و پرورش در تمام مدارس محتوای دروس و هدفهای رفتاری برای تمام دانش آموزان کلاسهای مشابه یکسان است و از معلمان انتظار میرود محتوای دروس تعیین شده را به پایان رسانیده و به هدفهای رفتاری نایل آیند بعنوان مثال ، معلم کلاس اول موظف است محتوای کتابها را بی پایان رساند و دانش آموزان را در فراگیری مهارتهای اولیه خواندن و نوشتن و حساب کردن در حد معین یاری دهد . همچنین معلمان کلاسهای مشابه از نظر استخدامی از شرایط کم و بیش یکسان برخوردارند . باتوجه به عوامل فوق میتوان کارآئی معلمان کلاسهای مشابه را برحسب سابقه تدریس معلم ، وضع اجتماعی ، اقتصادی دانش آموزان ، نوع مدرسه (دخترانه یا پسرانه) ، تعداد دانش - آموزان کلاس ، و تاثیر دوره های کارآموزی در نتیجه کار معلم با استفاده از روشهای آماری مورد مقایسه قرارداد و معلمان نیازمند به کمک را هدایت نمود . بخوبی میدانیم عوامل متعددی در یادگیری دانش آموزان موثرند که یکی از این عوامل مهم نحوه تدریس و فعالیتهای معلم در کلاس میباشد ، به بیانی دیگر ، روش کار و نوع فعالیتهای معلم در میزان یادگیری دانش آموزان تاثیر بسزائی دارد .

نامه ای از

مادر بزرگ

اواخر ماه اسفند بود و هوا آفتابی ، آفتاب دیگر بیرنگی و سوز زمستانی را نداشت موجودات همه به جنب و جوش افتاده بودند نباتات سر از خاک بیرون آورده و از آغاز زندگی تازه خود سر سبز و با نشاط بخود- آرائی و نمایش زیبائیهای خود همراه بانسیم پیام آوریهای باین سوی و آنسوی می چمیدند و به طبیعتی که زیر فشار سرما و سردی و خشکی زمستان دوران رکود و سکوت خود را می- گذراند از نو طراوت و لطافت می بخشیدند .

پرندگان از شنیدن پیام بهاری بوحد و سرور آمده بودند و از این شاخه جوانه زده به دگر شاخه میپريدند و آهنگی گوشنواز می- ساختند .

انسانها این خود برتر بنیان دستگاه آفرینش هم که از سوز و سرمای زمستان ماهها بگوشه های اطاقهای در بسته پناهنده و معتكف شده بودند دیگر نشستن و چرت زدن و خمودی را جایز ندانسته به گشودن درهای بسته و روفتن گرد و خاک و خراب کردن لانه حشرات منزل کزیده در گوشه و کنار اطاقها و

زیر فرشها و خانه نکانی برای زدودن آثار ناخوشایند زمستان بر خاسته و کمر همت بر بسته‌اند ...

درها و پنجره‌های بسته باز شده و افراد و ساکنین هر منزل بگونه‌ای بکاری مشغول هستند ، یکی شیشه پاک میکند ، دیگری گرد و غبار سقف را میگیرد یکی هم به روبیدن فرش سرگرم است همسایه‌ها که روزهای کوتاه و سرد زمستان در بی خبری از یکدیگر در اطاقهای در بسته بسر میبردند اکنون با باز شدن در و پنجره‌ها از نو خوش ویش و سلام وعلیک با یکدیگر را شروع کرده‌اند و دقایقی هر چند کوتاه با یکدیگر به درد دل این مدت و شکوه از بی خبری در گفتگو هستند .

خانم ت ... که مشغول پاک کردن شیشه‌های پنجره بود وانت باری را دید که حلوی خانه آقای غ ... ایستاد و دونفر با کمک یکدیگر فرشی را از وانت بار پائین گذاشتند و بداخل خانه بردند

... اوهم که هم حس کنجکاویش تحریک شده بود وهم متاسف از اینکه چرا شوهرش اینچنین غیر مترقب او را غافلگیر و خوشحال نکرده است بفکر دریافتن موضوع خرید فرش و چند وچون آن افتاد و در اندیشه این که چگونه آقای غ ... با عایدی محدودش توانسته به یمن فرا رسیدن سال نو فرش نوی بخرد و بیخانه ببرد و خانواده‌اش را شب عیدی خوشحال کند ، باید براز آن پی برد همچنانکه مشغول پاک کردن شیشه بود بفرس

طرح نقشه‌ای افتاد که چگونه مطلب را با خانم آقای غ ... در میان بگذارد

خوشبختانه دیری نپایید که در منزل آقای غ ... باز شد وزن و شوهر باتفاق از خانه بیرون آمدند ، خانم ت ... کسه همچنان مشغول پاک کردن شیشه‌های پنجره بود با آنها سلام وعلیک کرد و گفت :

" خانم انشاءاله که فرش نو مبارکتان باشه بخوبی و خوشی از آن استفاده کنید خداوند قدرت خرید بیشتر و بهتر آنرا بشما عطا فرماید

خانم غ ... که از این برخورد مهربان خانم ت ... خوشش آمد ضمن تشکر گفت : شما که سرافرازمان نمیفرومائید ... خیلی خوشحال میشدیم که شما مبارکباد را همراه با تشریف فرمائیتان میفرمودید خانم ت ... که دنبال چنین موفقیتی میگشت گفت :

باکمال میل همین امروز که شما بمنزل بر- گشتید خدمتتان میرسم که دیداری تازه کنیم سپس آن دو با یکدیگر خداحافظی کردند و آنها بدنبال کار خویش رفتند و خانم ت ... هم بپاک کردن شیشه ادامه داد . اما خوشحال که راه کشف مطلب را پیدا و هموار کرده و بالاخره تا شب که شوهرش بمنزل مراجعت میکند از چگونگی خرید فرش با خبر میشود شاید بتواند او هم شوهرش را بخیرد فرش وادار کند او مدتهاست که دلش میخواهد یک قالی

فشک بخرد اما هرچه زیرگوش شوهرش
میخواند فایده نکرده است ...

بالاخره خانم ث ... عصری بدیدن خانم
غ ... رفت وبا دیدن فرش نو مجددا بخانم
صاحبخانه تبریک ومبارکباد گفت وشروع کرد
از طرح ونقش قالی تعریف کردن وضمنسا
سئوال از طول وعرض قالی وقیمت آن نمود
خانم غ گفت :

شوهرم با این قالی فروش آشناست او هم
این فرش را بما قسطی داده و خدا وکیلی
حساب کرده بهمان قیمت که خودش خریده با
ما حساب کرده و قرار است همراه هر قدر که
توانستیم قسطش را بدهیم تا قیمتش
پرداخت شود ... شما هم همسایه ما هستید
چند سال است که ماشا را میشناسیم اگر میل
داشته باشید من بشوهرم بگم که یک قالی
هم با همین شرایط که برای خودمان برداشته
برای شما بردارد

خانم ث ... از پیشنهاد خانم غ ...
خیلی خوشحال شد وبخانه برگشت ، شب
موضوع را با شوهرش درمیان گذاشت .
شوهر خانم ث ... بسادگی زیربار خرید
فرش نمیروود او هزارها بهانه میتراشد و
مهمتر از همه میگوید من توانائی پرداخت
قسط فرش را ندارم .. اصولا من با خریدن
چیز قسطی مخالف هستم .
خانم ث :

عزیزم ، چیز قسطی چه عیبی دارد ،
آنهم با این شرایط خوبی که همسایه ما برای

ما میخواهد بخرد .. ماکه نمیتوانیم یکباره
برویم سیچهل هزار تومان فرش بخیریم ..

این فرش اطاق هم از بس کار کرده بیچاره
بادش رفته که یک روزی قالی بوده ، انقدر
کرکهاش رفته که تمام نخهایش زده بیرون
چندجای این قالی بینوا هم سوراخ شده ..

اگر تو یک فرش قسطی بخری ما کم کم پولش
را میدهیم بعد از مدتی هم صاحب فرش
شدیم هم پرداخت پول آن بما نمود نکرده و
بعلاوه وقتی آدم پول میده فرش میخره چیزی
را از دست نداده مثل این میماند که پولش
را در قلق ریخته چون اگر تو فرش را
نخواهی و بخواهی بفروشی بهمان قیمت از
تو میخرند که هیچ ، بیشتر هم میخرند و
نازه یک منفعت هم کردی ماهم تا تو
قسطهایت را بدهی مدتی صرفه جوئی
خواهیم کرد بقول مادرم همیشه که بما
نصیحت میکند میگوید یکسال بخور نان وتره
یک عمر بخور نان وکره راست میگوید
اگر ما چند سال اول زندگی را صرفه جوئی
کنیم وبخودمان یک کمی سختی بدهیم در
عوض آینده خوبی خواهیم داشت ...

خانم ث ... با بیان ملایم ومهربان خود
کم کم شوهرش را نرم کرد و او را موافق با
خریدن فرش نمود ... شوهر خانم ث ..

او را مامور کرد که با خانم آقای غ .. تماس
بگیرد قرار ومدار خرید فرش را بگذارد یکروز
همه با هم برای انتخاب آن بروند ..

خانم ث ... از خوشحالی در پوست

نمیگنجد ، خوشحال بود از اینکه شوهرش را رام و موافق با خریدن قالی و پرداختن اقساط فرش نموده و همچنین خوشحال بود از اینکه از خانم همسایه عقب نمانده او هم صاحب یک قالی نو خواهد شد تمام شب را ب فکر خرید قالی گذراند

با رویای خرید قالی برخت خواب رفت ، خواب از چشمش رفته بود ، او در فکر بود که چه رنگ و چه طرحی انتخاب کند . . در فکر بود که چقدر قالی تازه باطاق آنها جلوه خواهد داد . . . ب فکر قالی شاید شب را هم خواب قالی و قالی فروش میدید . . . او دلش میخواست ساعتها لحظه ای شوند و روشنی

صبح هرچه زودتر فرا رسد . . . تا او بتواند بخانه همسایه رود و برای خرید و انتخاب قالی با او بگفتگو نشیند . . .

همین که صبح شوهر خانم ت . . . از منزل خارج شد تا بر سر کارش برود خانم ت . . . بدرب خانه همسایه و نزد خانم آقای غ . . . رفت ماجرای شب گذشته را برای او تعریف کرد و از او برای خرید فرش کمک خواست او هم با مذاکره با شوهرش و فرش فروش ترتیب خرید فرش برای خانم ت را دادند . و قرار شد روز پنجشنبه بعد از ظهر که شوهرش کار ندارد همه باهم برای انتخاب و خرید فرش و ترتیب اقساط آن بنزد فرش فروش



با فرارسیدن نوروز همه خانواده‌ها ، همه دوستان دسته دسته بدیدن یکدیگر می‌رفتند همه آغاز زندگی جدید طبیعت را جشن می‌گیرند و یکدیگر تبریک می‌گویند . . .

چه این زیباییها همراه با نعمت و رحمت الهی است در حقیقت همه خوشحال هستند از اینکه خداوند نعمت و رحمتش را بر آنها ارزانی داشته وهمگان برای سپاس از این رحمت خداوندی است که بیای سفره هفت سین می‌نشینند وبا خواندن دعای نوروز مقدم سال نو را گرامی میدارند ، وبهین جهت است که دسته دسته بیدار خویشان ودوستان میروند . . .

دراین روزهای نوروزی و فصل دیدو بازدید دوستان وخویشان خانم ث . . . هم بدیدن آنها آمدند . . . همه قهقهه زنان وارد میشدند و همچنان قهقهه زنان با دهانی که از نقل و نبات شیرینش کرده بودند شیرین کام گویان خارج میشدند . . .

یکی از نزدیکان خانم ث . . که باتفاق شوهر و فرزندانش ببازدید اینها آمده بودند پس از شنیدن توصیف همسایه مهربان آنها برای دیدن فرش باطاقی که فرش در آن بود رفتند ، چون دراین هنگام مهمان دیگری از راه رسید صاحبخانه با مهمان تازه وارد باطاق پذیرائی رفتند و دوستان آنها بدیدن قالی پرداختند آقای ف . . که چشمش بدوات جوهر روی میز افتاد هوس کرد تا خودنویس خود را جوهر کند وقتی در دوات

بروند

بالاخره بعداز چند روز انتظار زن وشوهر باتفاق خانم وآقای همسایه بنزد فرش فروش رفتند ، یک فرش کاشی قشنگ انتخاب کردند فرش بسیار قشنگی بود . . . همه فرش را پسندیدند معامله فرش تمام شد و قرار گذاشتند قیمت فرش را در سی ماه بپردازند ، همه باهم فرش را بخانه آوردند خانه شسته و رفته وخانه نکانی شده بود همه جا پاکیزه بود فرش را در اطاق پهن کردند . . . زن وشوهر از خرید خود بسیار بسیار راضی بودند . . . آنقدر از خریدن قالی خوشحال بودند که مطلقا فکر پرداخت اقساط آنرا نمیکردند . .

مادر وپدر یعنی همین زن وشوهر بفرزندانشان خیلی سفارش کردند که مبادا روی فرش چیزی بریزند . . . مبادا چائسی بریزند . . . مبادا پیسی وکوکا بریزید . . . بگذارید که این فرش پاک وتمیز بماند وجلوه خودش را داشته باشد

روزها از پس یکدیگر میگذشتند ماه اسفند پایان رسید . . . نوروز باجلال وجبروتش ، با زیباییهایش . . . ، با شکوهش . . . ، با لطافت وسرسبزی طبیعتش فرار رسید . . .

باغ و بوستان لباس زمردی برتن کردند و کلاهی از شکوفه برسر نهادند . . . واقعا که طبیعت چه زیبا است . . .



را باز کرد که قلم را جوهر کند دستش لغزید بدوات برخورد کرد و دوات بروی زمین افتاد و قسمتی از سطح فرش نازه بجوهر آغشته شد مرد ناراحت از این بی احتیاطی اش قلم را بحیب گذارد و از اطاق خارج شد ، خواهر و برادر کوچک که ناظر دیدن ریختن جوهر بودند ناراحت از اینکه جواب پدر و مادر را چه گویند دویندند طرف آب ، قطعه ابر و مقداری ناید برداشتند تا فرش را پاک کنند همانطور که این دو کودک با دستهای کوچکیان مشغول پاک کردن جوهر بودند خانم آقای ف که دستکش را جا گذاشته بود بانفاق شوهرش برگشتند تا دستکش را بردارند وقتی درب را فشار میدادند بچهها همچنان سرگرم پاک کردن جوهر از روی قالی بودند و هیچگونه توجهی بپاک کردن در نداشتند پدر پائین آمد و درب را باز کرد همین که با آقای ف از جلوی در رد میشدند که باطاق بالا بروند بچهها را مشغول پاک کردن لکه جوهر از روی فرش دید شروع کرد به بچهها دعوا کردن ، توهین کردن که شماها آدم نیستید ... شماها عرضه ندارید شماها لایق نیستید .. آنروزی که میگفتم مادران اصرار داشت که فرش نو برایتان بخرد ... شما باید روی زمین زندگی کنید زیلو هم برای شما زیاد است چه برسد به قالی آنهم قالی کاشان ... هرچه پدر این حرفها را زد و هرقدر به بچهها بدو بیراه گفت بچهها مثل دو جوجه گوشه اطاق سرف

افکنده ایستادند حرفهای پدر را شنیدند .. بیکدیگر نگاه کردند اما لب بسخن نگشودند آقای ف هم مطلقا بروی بزرگوار خودشان نیاموردند که با یک بی احتیاطی فرش نوی دو دوستان را از ارزش انداختند و چه زیان بزرگی باو رساندند ... ایشان با گردن افراشته رفتند و دستکش خانمشان را برداشتند

های تحریک و خشونت موجب بی میلی کودک به غذا میشود ، غالباً علل بسیاری را میتوان عامل جلوگیری از رشد عادی کودک شمرد مانند محرومیت از شیر مادر ، سخت گیری و مقرراتی بودن بیش از حد از لحاظ اجرای اصول نظیر تعیین جیره - نوع غذا و فاصله غذاها ، کودکانی که از لحاظ عاطفی بآنها توجه کافی نمیشود (نوزادانی که در گهواره رها میشوند حتی با اسباب بازی) همچنین کودکانی که بیش از اندازه بآنها توجه میشود در معرض خطر بی میلی به غذا هستند .

سن معارضه :

بعدها در حدود سی ماهگی اختلاف و جنگ بین کودک (که تصمیم به معارضه میگیرد) و مادر (که از حرکات خیره سرانه

میشود تا " زودتر راه بیفند ! " گاهی بی بردن به علت بی میلی مشکل است مثلاً امکان دارد در اثر داغ بودن غذا دهان بچه سوخته است یا یک غذای غیر متعارف که برای ذائقه بچه عجیب و غریب بوده است (مثلاً کله پاچه !) بخورد او داده شده است و بجای اینکه در این مورد با حوصله عمل شود او را با جبر واکراه فراوان بخورد غذا وادار نموده اند و نظایر این قبیل موارد گاهی شوکهای عاطفی سرمنشاء و علت بی میلی کودکان به غذا میشوند (نظیر تغییر پرستار تولد برادر یا خواهری ، فرستادن کودک به کودکان و نظایر آن) .

کودکانی که بحال خود رها میشوند :

عصبی بودن اطرافیان ، مشاهده صحنه



معالجه و مداوا :

همیشه آسان و راحت نیست ، در مورد خانواده ، طیب منخصص اطفال باید اطرافیان کودک بویژه پدر و مادر را مطمئن سازد که بیماری وخیم و مهمی مطرح نیست و خطری کودک را تهدید نمیکند و بدین ترتیب میتواند آرامش سودمندی بوجود آورد و دیسپلین بی اندازه سخت را در محیط خانواده از میان بردارد ، ضمنا نباید باقرار دادن بیسکویت و شکلات و شیرینی در دسترس کودک در خارج از ساعات غذا او را وسوسه کرد ، اگر کودک شروع بخوردن غذا نمود نباید او را زیاد تشویق و یا از او تشکر نمود تا موضوع بصورت لطف و مرحمتی نسبت به اطرافیان درآید ، همچنین نباید با روشها و باکتیکهای زیرکانه‌ای از بی دقتی و بی توجهی کودک برای غذا دادن باو استفاده نمود زیرا موجب تحقیر بزرگسالان در نظر کودک و بی ارزش شدن آنها و بی اعتمادی نسبت بآنان میگردد .

درمورد کودک بدنیست معالجه را بایک روز پرهیز و رژیم مانند روزه آغاز کرد (البته باید کاری کرد که آب و گلو سید به او برسد) و آنوقت بتدریج میزان غذا را افزایش داد ضمنا میتوان داروهایی برای مهار کردن عکس العملهای عاطفی و مقاومت و التهاب او تجویز نمود ، در بدترین وضع گاهی ضرورت اقتضا میکند که کودک از محیط خانوادگی جدا شود .

او خشمگین میشود) موجب بروز بی میلی به غذا میشود ، بهرحال بی میلی نتیجه اختلاف است ، با امتناع از خوردن غذا و جنگی که بدین ترتیب واز این طریق در میگردد کودک مطمئن است که در موضع مطلوب تری قرار دارد که او را به پیروزی و رام کردن اطرافیان خواهد رسانید .

ضمنا ناگفته نباید گذاشت که مسئله اطرافیان بویژه اطرافیان مادر واجد اهمیت اساسی است . در اغلب موارد اطرافیان رفتاری مبتنی بر نگرانی واضطراب دارند ، گاهی مادر بعلت از دست دادن کودک یا یکی از کودکان خود دچار تشویش واضطراب دائمی میشود وگاهی بیش از اندازه و بصورت وسواس به نظم و دقت دلبسته است و این ممکن است بیش از غلیان عاطفی مربوط به غنای امکانات و توشه فکری مادر باشد .

